



سازهای نواحی استان کرمان



استان کرمان به عنوان پهناورترین استان ایران از لحاظ جغرافیایی از چنان تنوع فرهنگی و اجتماعی برخوردار است که پژوهشگران و محققان را به حیرت واداشته است. متأسفانه تا چند سال پیش به دلایلی از جمله پراکندگی و مسافت بسیار زیاد بین مراکز اقلیمی، صعب‌العبور بودن بعضی از راههای روستایی، شرایط آب و هوایی متغیر و سخت، کمبود پژوهشگران و محققان بومی و ... تحقیقات جامع و کاملی از موسیقی نواحی این استان به عمل نیامده بود. ولی برگزاری جشنواره موسیقی نواحی کشور در کرمان و همچنین تأسیس دبیرخانه دائمی این جشنواره در این شهر، مسئولین و نیروهای متخصص بومی را به تحقیق و پژوهش گسترده در این استان ترغیب کرد. البته در این میان نقش مهم و اساسی کیوان پهلوان، احمد صدیقی و به‌خصوص محمدرضا درویشی پژوهشگر بزرگ موسیقی کشور، در راهنمایی، نظارت و در مواردی همراهی با گروه پژوهشی کرمان را نمی‌توان نادیده گرفت.

ذکر این نکته ضروری است که تحقیقات این جانب به عنوان مسئول گروه پژوهشی استان هنوز به مرحله نهایی نرسیده، ولی نتایج حاصله از تحقیقات دو ساله، این حقیقت را روشن کرده که استان کرمان یکی از بکرترین و البته غریب‌ترین نواحی موسیقی در کشور و به قول محمدرضا درویشی، دریایی ناشناخته از نغمات، ملودیها و سازهای نواحی ایران است.

موسیقی نواحی استان را می‌توان به اقسام زیر تقسیم کرد:

۱. ترانه‌های کار ۲. ترانه‌های شادمانی ۳. ترانه‌های روایی و حماسی ۴. سوگ‌آواها ۵. لالاییها ۶. موسیقی صوفیانه و قلندری ۷. موسیقی مذهبی و آیینی ۸. موسیقی ساربان ۹. موسیقی زورخانه ۱۰. موسیقی کولیه‌ها
- که البته توضیح و معرفی هر کدام نوشتاری مفصل و جداگانه را می‌طلبد. تلاش بر این است که در این مقاله، خوانندگان در حد اجمال با سازهای نواحی استان کرمان که تعدادی از آنها نه تنها در کشور بلکه





در تمام دنیا منحصر به فرد هستند، آشنا شوند.

سازهای استان به ترتیب اهمیت به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. سازهای کوبه‌ای ۲. سازهای بادی ۳. سازهای زهی آرشه‌ای ۱. سازهای کوبه‌ای:

در تقسیم‌بندی معمول سازهای کوبه‌ای به دو دسته پوستی (ممبرانوفون) و بدون پوست (ایدیوفون) تقسیم می‌شوند.

سازهای کوبشی پوست‌دار رایج در استان: جوغ، غرو، جاریگ، دُرک، انواع مختلف دایره و دپ. انواع کُهَل و جوهره. انواع نقاره، تمبک محلی و تمپو.

سازهای کوبشی بدون پوست شامل: کوزه، سنگ، چوسر (چوب سحر) و خلخال.

جوغ: سازی است سنگی از نوع کوبه‌ای یک طرفه که روی دهنه آن را با پوست بز یا گوسفند می‌پوشانند.

تا دو دهه قبل این ساز در بین گروهی از ساریانان و شتریانان استان رواج داشته است. به این ترتیب که آن را با طناب روی شتری به نام شتر سر آهنگ (راه بلد) می‌بستند و ساریان در هنگام بروز توفان شن از آن به عنوان ساز راهنما استفاده می‌کرده، به صورتی که برای ایمنی از شنهای بیابان روی خود را با پارچه‌ای بسته و فقط با ضربه زدن به پوست جوغ، شتران را به دنبال شتر سر آهنگ می‌کشاند است. به عقیده محمدرضا درویشی این ساز یکی از معدود سازهای سنگی دارای پوست در جهان است.

غرو: این ساز نیز یکی از سازهای منحصر به فرد است و شاید تنها ساز چهار گوش دو طرفه در جهان باشد.

غرو در روستاهای بیدخون مرغک بم شناسایی شده و در هنگام رقص و پایکوبی نواخته می‌شود. پوست غرو از جنس پوست بز یا گوسفند می‌باشد و دو زنگوله در دو طرف کمانه و تعدادی حلقه فلزی در چهار چوب چوبی آن آویز می‌باشد.

طرز نوازندگی غرو بسیار جالب است و نوازنده با تکنیکی خاص به دو طرف ساز ضربه وارد می‌کند.

جاریگ: سازی است استوانه‌ای و کوچک که بر دو دهانه آن پوست می‌کشند و داخل آن محتوی مقداری سنگ‌ریزه (ریگ) است. نوازنده در حال اجرای ریتم بر روی یکی از پوستها جاریگ را در حالتی شوک‌دار پایین و بالا می‌کند و از برخورد ریگها با پوست بالا و پایین صدایی را ایجاد می‌نماید بیشتر نوازندگان جاریگ را نوجوانان تشکیل می‌دهند جنس بدنه در قدیم چوبی بوده ولی در حال حاضر بیشتر حلبی و بدون پوست است.

این ساز در روستای مرغک استفاده می‌شده. در حال حاضر به علت وقوع زلزله و همچنین کم‌آبی، اکثر مردم این روستا به شهر کرمان کوچ کرده‌اند و تعدادی از نوازندگان آنها در گروههای موسیقی محلی شهر کرمان به نوازندگی این ساز مشغول‌اند.

دُرک: نوعی ساز پوستی دو طرفه است که با تسمه به گردن نوازنده آویزان می‌شود و بر عکس دهل، پوستها موازی زمین قرار می‌گیرند و به جای چوب و ترکه با انگشتان دست نواخته می‌شود. معمولاً بر بدنه این ساز زنگوله‌ای با نخ‌ای از جنس کف آویزان است و نوازنده در مواقعی زنگوله را بر روی پوست بالایی می‌گذارد تا در هنگام نواختن

به صورت روزانه و در دو نوبت (قبل از طلوع آفتاب و هنگام غروب) اجرا می‌شود. در اصطلاح محلی به این نقاره‌ها، طبل امامزاده می‌گویند و دلیل اجرای آن را یادآوری شکوه و معنویت امامزاده می‌دانند. این مراسم دارای سابقه‌ای طولانی می‌باشد. نقاره‌های این امامزاده بسیار قدیمی هستند. تاریخ حکشده بر روی بدنه یکی از سازها ۱۲۴۰ قمری است و تمام آنها وقف امامزاده شده‌اند. از این ساز در مراسم عزاداری ماه محرم که توسط دسته‌های عزاداری شهدا انجام می‌گیرد نیز استفاده می‌شود. در سایر نواحی استان نقاره را فقط در مراسم شادمانی به کار می‌برند. در اصطلاح محلی کرمان به نقاره بزرگ «نقاره» و به نقاره کوچک «زیل» گفته می‌شود.

تمبک محلی: این ساز توسط کولیان، عشایر و نوازندگان بومی استان اجرا می‌شود. این تمبک چوبی است و دارای تسمه‌ای چرمی، که ساز به وسیله آن به شانه نوازنده آویزان می‌شود. در روستاهای اطراف بم افرادی به نام چوب پاه، با به پا کردن چوبهایی به ارتفاع ۲/۵ تا ۳ متر در جلوی کاروانهای عروسی به راه می‌افتند و به نواختن این تمبک و خواندن ترانه‌های شاد می‌پردازند.

تمپو: همان سازی است که در مناطق جنوبی کشور نواخته می‌شود و در حیطه موسیقیایی استان یک ساز وارداتی محسوب می‌شود. در قسمتهایی از استان که رطوبت هوا زیاد است و سازهایی مانند دهل، نقاره و تمبک محلی به علت طبیعی بودن پوست آنها، آسیب پذیرترند، از این ساز استفاده می‌شود. معمولاً تمپو ساز همراه نی مشکی (نی انبان) است.

کوزه: مناطق رایج شناسایی شده این ساز، دهستانهای نزدیک فهرج و نرماشیر است. کوزه در این مناطق با دو سایز کوچک و بزرگ استفاده می‌شود که کوزه بزرگ را با دست و کوبه‌ای انعطاف پذیر (در حال حاضر دمپایی ابری) می‌نوازند. شکل و تکنیک نوازندگی کوزه خصوصاً کوزه کوچک، بسیار جالب توجه می‌باشد و با سایر کوزه‌هایی که در مناطق جنوبی ایران نواخته می‌شود، متفاوت می‌باشد. نوازندگان برای تولید صدا، هم از بدنه سفالی کوزه و هم دهنه آن (به

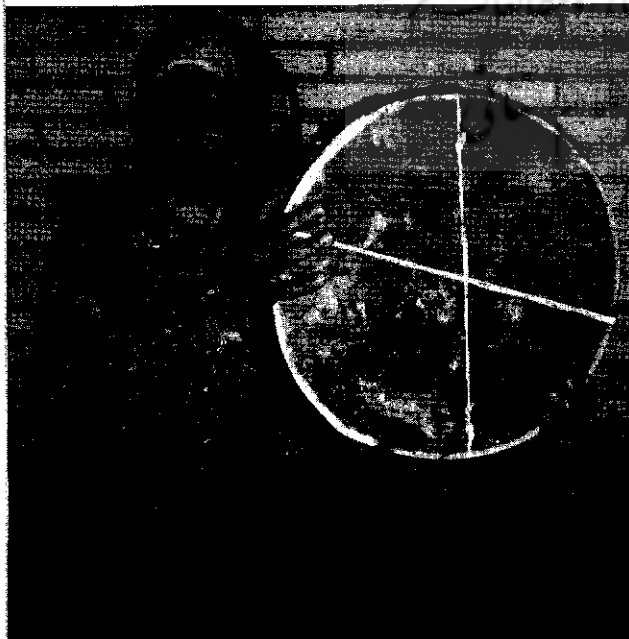
و لرزش پوسته صدای زنگداری ایجاد شود. این ساز توسط گروهی از کولیان سیرجان نواخته می‌شود و تا به حال نظیر آن در هیچ جای کشور دیده نشده است.

دایره: این ساز با ابعاد و اندازه‌های مختلف و تکنیک نوازندگی متنوع در اکثر مناطق استان اجرا می‌شود. در میان تکنیک‌های نوازندگی، نوع نوازندگی دایره در شهر بابک بسیار منحصر به فرد است و نوازنده آن را به صورت نشسته و با تکیه دادن بر روی یکی از پاها اجرا می‌کند. در یکی از روستاهای کولی نشین به نام دهنو (دهنه) نیز بر روی پوست دایره به صورت ضربدری روده گوسفند می‌کشند تا در هنگام ضربه به پوست صدایی ترکیبی شبیه به درام را ایجاد کند. در اویش و زرتشتیان کرمان نیز از نوعی دایره به نام دپ استفاده می‌کنند. طرز نوازندگی دپ در بین این دو گروه متفاوت است. زرتشتیان این ساز را با انگشت می‌نوازند و از آن در مراسم گوناگون از جمله جشن تیرگان، مهرگان و سده استفاده می‌کنند. اشعاری که به همراه دپ خوانده می‌شود بیشتر به زبان فارسی دری است.

طرز نوازندگی دپ در بین در اویش نعمت‌اللهی نیز به این صورت است که دپ را با یک دست گرفته و با دست دیگر به صورت آزاد و به تمام نواحی پوست و حتی کمانه چوبی آن ضربه وارد می‌کنند. متأسفانه در سالهای گذشته شاهد جایگزینی دف کردستان به جای دپ بودیم ولی هم‌اکنون اکثر نوازندگان خانقاه به دپ‌نوازی اصیل خود متمایل شده‌اند و از دف کمتر استفاده می‌کنند. در میان انواع دایره، دایره‌های سه‌گانه رفسنجان نیز از ویژگی درخور ملاحظه‌ای برخوردارند. این ساز در شهر رفسنجان در سه اندازه کوچک، متوسط و بزرگ یافت می‌شود که توسط نوجوانان، جوانان و بزرگسالان نواخته می‌شود. البته در حال حاضر استفاده از این ساز کمی محدودتر از قبل شده است. در روستای سیریز زرنند نیز رقص چوب‌بازی (چوچاپ) را با دایره انجام می‌دهند. (به جای دهل و نقاره)

دَهل: در مناطق مختلف استان به دو صورت بدنه فلزی و چوبی و با ابعاد متفاوت کاربرد دارد. دهلهای بدنه فلزی، دارای بدنه‌ای بلند می‌باشند و به وسیله تسمه‌ای چرمی به شانه نوازنده متصل می‌شوند و با یک دست و یک کوبه (چوب) نواخته می‌شوند. از این نوع دهل در مناطقی مانند بم، جیرفت و رابتر استفاده می‌شود. دهلهای بدنه چوبی دارای بدنه‌ای کم‌ارتفاع می‌باشند و با چوب و ترکه نواخته می‌شوند. این نوع دهل در اکثر مناطق استان از جمله لاله‌زار، سیرجان، شهر بابک، بافت و ... استفاده می‌شود. نوع کوچک‌تری از دهل فلزی به نام جوهره (جُزه) نیز در استان رایج است، که معمولاً در کنار دو دهل نواخته می‌شود. گاهی اوقات نوازندگان حرفه‌ای دهل، در حین نوازندگی با سرعت به دور خود می‌چرخند و یا به حرکات آکروباتیکی از قبیل رد کردن و چرخاندن دهل از بین پاها، البته با حفظ ریتم می‌پردازند. دهل‌نوازی علاوه بر مراسم شادمانی در مراسم سوگ و تعزیه‌خوانی مناطق مانند نئیز، سیرجان و رابتر نیز به کار می‌رود.

نقاره: دو نوع نقاره در استان کرمان رایج است یکی نقاره‌های سفالی که در مناطقی مانند امیرآباد شول رایج است و دیگری نقاره‌های فلزی که در مناطقی مانند شهر بابک و شهداد مورد استفاده واقع می‌شود. در یکی از امامزاده‌های شهداد به نام امامزاده زید مراسم نقاره‌نوازی





که هم اکنون در روستای گودیز و توسط آقای اکبر محمودی نواخته می‌شود، دارای قدمتی چهارصد ساله است و سفیدمهره آندوهجرد نیز قدمتی صد ساله دارد. صدای سفیدمهره بسیار بلند و رساست. این ساز در بین اهالی از حرمتی خاص برخوردار است و حتی بعضی از بومیان بر این باورند که دور کردن سفیدمهره از شهر یا روستا بدیمن می‌باشد. **نی محلی:** این ساز در بیشتر مناطق استان به صورت لیبی اجرا می‌شود. ابعاد و تعداد سوراخهای نی در استان متغیر می‌باشد. اکثر نوازندگان نی دارای صدایی خوش هستند و در بین نی‌نوازی به غریبی‌خوانی و کرتی‌خوانی که دو نمونه مهم از سوگ‌آواهای استان کرمان می‌باشند، می‌پردازند. تکنیک نفس‌گردون که در ساز سورنا توضیح داده شد در بین نی‌نوازان نیز رایج می‌باشد.

نی مشکی: همان نی انبان جنوب کشور است که سالها پیش و بیشتر از طریق حاجی‌آباد بندرعباس به حیطة موسیقایی استان نفوذ کرده است و هم‌اکنون در اکثر مناطق استان اجرا می‌شود. مقبولیت نی مشکی و ساز همراه آن (تمبو) به این علت است که خشکی و یا رطوبت هوا کمتر روی آنها تأثیر می‌گذارد. معمولاً نی مشکی توسط نوازندگان سورنا نواخته می‌شود.

شاخ‌نقیور: سازی است بادی از جنس شاخ که توسط فلندران و در اویش دوره‌گرد استفاده می‌شود. در گذشته از این ساز در مسیر سفرها و برای دور کردن حیوانات وحشی و ترساندن آنها استفاده می‌شده، ولی در حال حاضر برای باخبر کردن اهالی محله‌ها، برای کمک و جمع‌آوری نذورات استفاده می‌کنند.

سوتک: سازی کلی است که در بعضی از مناطق استان و بیشتر به وسیله نوجوانان نواخته می‌شود. در حال حاضر پیرترین سوتک ساز ایران با ۹۵ سال سن در شهداد زندگی می‌کند و هنوز هم به این حرفه مشغول می‌باشد. سوتکی مربوط به دوره ساسانیان نیز در حفاریهای منطقه قلعه دختر شهر کرمان کشف شده است.

۳. سازهای زهی آرشهای:

تنها ساز رایج این خانواده نوعی قیچک است که در اصطلاح محلی به آن چنگ گفته می‌شود. این ساز در مناطقی از نرماشیر، جیرفت، کهنوچ و بردسیر رایج است و به نوازنده آن، چنگی گفته می‌شود. چندی پیش در جشنواره موسیقی نواحی کشور از شیرمحمد احمدی، چنگی منطقه بردسیر کرمان، به عنوان یکی از مفاخر قیچک‌نوازی ایران تجلیل به عمل آمد.

صورت متراکم کردن هوای داخلی آن) استفاده می‌کنند. جالب اینکه صدای این کوزه شنوندگان را به یاد صدای طبلاهای هندی می‌اندازد. **سنگ:** این ساز بدوی علاوه بر مناطق یادشده در بعضی از روستاهای کهنوچ و سبزه‌واران نیز اجرا می‌شود و نحوه استفاده از آن به این صورت است که سنگها را به شکلهایی مسطح و تیغهای می‌تراشند و در سر ضرب آهنگها و ترانه‌ها به هم می‌کوبند.

چوسر (چوب سحر): چوبی است به ارتفاع بیش از دو متر که با زنگوله، پارچه‌های رنگی، خرمهره و خرده فلز تزئین شده است. این ساز در بعضی از منشعبات ایل قرائی (در اصطلاح محلی قرمای) به وسیله فردی که به آن ملا گفته می‌شود و با کوبیدن به زمین (در ریتمهای نامشخص) به صدا در می‌آید. به عقیده آنها، این کار باعث دور کردن شیاطین و ارواح خبیث می‌شود.

خلخال: شامل زنجیری فلزی است که به آن تعدادی زنگوله کوچک آویزان شده است و خانمها در هنگام رقص و پایکوبی به میچ پای خود می‌بندند و با حرکت دادن پا آن را به صدا در می‌آورند تا با ریتم آهنگ همراهی نماید. خلخال بیشتر در بین کولیها و بعضی از عشایر استان کاربرد دارد.

۲. سازهای بادی:

سازهای بادی استان شامل سورنا، کرنا، سفید مهره، نی محلی، نی مشکی، شاخ‌نقیور و سوتک می‌باشد.

سورنا: شاخص‌ترین ساز محلی استان سورنا می‌باشد که در تمام مناطق، حضور پررنگ‌تری را نسبت به سایر سازها دارد. برای همین به سورنا در اصطلاح محلی ساز و به نوازنده آن سازی گفته می‌شود. سورنا و سورتانوازی در استان کرمان دارای سابقه‌ای طولانی است. باستان‌شناسان در کاوشهای باستانی منطقه بشاگرد به نوعی سورنا دست یافتند که قدمتی هفت هزار ساله دارد. در استان کرمان دو نمونه سورنا رایج است. یک نوع آن با بدنه‌ای دو تکه، مانند اکثر سورناهای کشور و نوع دیگر دارای بدنه‌ای سه تکه که در اصطلاح محلی به آن ترلاس گفته می‌شود و از لحاظ شکل با سایر سورناها متفاوت است. علاوه بر مراسم عروسی که در اصطلاح محلی به آن عیش گفته می‌شود در مراسم شبیه‌خوانی و سوگواری مناطقی مانند سیرجان نیز از سورنا استفاده می‌شود. معمولاً ساز سورنا را به همراه دهل، نقاره و جوره می‌نوازند. در سورتانوازی استان، شیوه خاصی وجود دارد که نوازنده با جمع کردن و فشردن هوا در دهان از راه بینی، از قطع صدا در هنگام دم‌جولوگیری می‌کند. به این تکنیک نفس‌گردون می‌گویند.

کرنا: شکل کرنا مانند سورنا است ولی با ابعادی بزرگ‌تر. قسمت شیبوری کرنا فلزی و معمولاً از جنس برنج است و در مناطقی از سیرجان، شهر بابک و بافت رایج می‌باشد. معمولاً کرنا را به همراه نقاره و دهل می‌نوازند.

سفیدمهره: این ساز نوع خاصی از بوق صدفی است که در مراسم عزاداری و همچنین برای اعلان فوت اشخاص به کار می‌رود، به طوری که برای اعلان فوت ۳ بار در این ساز می‌دمند و تمامی اهالی شهر یا روستا از واقعه آگاهی می‌یابند.

سفیدمهره در مناطقی مانند چترود، دژان، شهداد، گودیز و آندوهجرد رایج است و نواختن آن دارای سابقه‌ای طولانی است. سفیدمهره‌ای